

انتخاب کمیشنران؛ گام مهم اما ناکافی

مهدي مدبر



الکترونیکی است، اما کار توزیع این شناسنامه ها مدت ها است متوقف شده است و رهبران حکومت وحدت ملی از آن حرفی نمی زنند. آیا می شود بدون تغییر در سیستم انتخاباتی کشور و تنها با تغییر چند ماده از قانون و تغییر چهره ها در راس کمیسیون ها، به شفافیت در انتخابات دست یافت و امیدوار بود که انتخاباتی بدور از تخلف و تقلب داشته باشیم؟ مسئله ی دیگر مشخص نبود نفوس کشور و واجدین شرایط رای دهی است. در انتخابات های گذشته آمار دقیق در این رابطه وجود نداشته است و همواره از حدس و تخمین کار گرفته شده است. همین مسئله هم باعث شده است که زمینه تقلب برای تقلب فراهم باشد و میزان تقلب نیز بالا برود. آیا بدون شمار دقیق نفوس کشور و مشخص نشدن واجدین شرایط رای دهی، می شود با اطمینان از تضمین شفافیت انتخابات حرف زد؟

یکی دیگر از شرایط اساسی تضمین شفافیت انتخابات، غیر سیاسی بودن نهادهای انتخاباتی است. در سالهای گذشته و در انتخاباتهای گذشته مسئولین این نهادهای نتوانسته اند عملکرد غیر سیاسی داشته باشند. مسلکی و فنی بودن نهادهای انتخاباتی هم می تواند اعتبار آنها را افزایش دهد و هم می تواند در راستای تضمین شفافیت انتخابات موثر باشد. انتظار می رود کمیشنران جدیدی با مسئولیت شان برخورد فنی و مسلکی نمایند و نه سیاسی. همچنان که رئیس جمهور گفته است انتخابات تنها راه بسوی آینده ی بهتر است، بدون برگزاری انتخابات تمام دست آوردهای یک و نیم دهه تجربه دموکراسی، بسا تهدید چون خواهد بود و آینده ی کشور نیز به مسیر نامعلوم حرکت خواهد کرد. اما برای اینکه از بوجود آمدن یک بحران انتخاباتی دیگر جلوگیری بعمل آید، باید گامهای اساسی و بنیادی در راستای شفاف سازی نظام انتخاباتی کشور برداشته شود. رهبران حکومت وحدت ملی باید کار شان را در راستای شفاف سازی نظام انتخاباتی کشور ادامه دهند و تنها به اصلاح قانون انتخابات و گزینش کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی اکتفا نکنند. برای آوردن شفافیت در انتخابات های آینده، هنوز چالش های زیادی باقی مانده است که باید روی آنها کار صورت گیرد.

که می خواهد انتخابات آینده به شفاف ترین نوع آن برگزار شود تا مردم دوباره به کمیسیون های انتخاباتی باور و اعتماد کنند. رئیس جمهور همچنان به کمیشنران جدید گفت که اجازه ندهند هیچ نهاد دولتی و یا غیر دولتی در امور کاری شان مداخله کنند. انتخاب اعضای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی یک گام مهم و رو به جلو در راستای عملی سازی وعده های رهبران حکومت وحدت ملی است. با انتخاب شدن کمیشنران و تحلیف آنها، انتظار می رود که به زودی تقویم انتخاباتی اعلان گردد و کار روی برگزاری انتخابات پارلمانی کشور آغاز گردد. هر چند که رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود به این موضوع اشاره کرد و گفت که کار روی برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی ها شروع شده و از کمیشنران خواست تا تقویم انتخاباتی را آماده کنند. برگزاری انتخابات یکی از راههای مهم قانونمند سازی نظام سیاسی کشور است. در حال حاضر حکومت افغانستان بر اساس یک توافق نامه ی سیاسی کار می کند و پارلمان کشور نیز بر اساس فرمان رئیس جمهور کارش را ادامه می دهد. برگزاری انتخابات شورای ولسوالی ها و پارلمانی و قانونمند شدن این نهاد قانون گزار راه را برای تعدیل بعضی از مواد قانون اساسی

که می خواهد انتخابات آینده به شفاف ترین نوع آن برگزار شود تا مردم دوباره به کمیسیون های انتخاباتی باور و اعتماد کنند. رئیس جمهور همچنان به کمیشنران جدید گفت که اجازه ندهند هیچ نهاد دولتی و یا غیر دولتی در امور کاری شان مداخله کنند. انتخاب اعضای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی یک گام مهم و رو به جلو در راستای عملی سازی وعده های رهبران حکومت وحدت ملی است. با انتخاب شدن کمیشنران و تحلیف آنها، انتظار می رود که به زودی تقویم انتخاباتی اعلان گردد و کار روی برگزاری انتخابات پارلمانی کشور آغاز گردد. هر چند که رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود به این موضوع اشاره کرد و گفت که کار روی برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی ها شروع شده و از کمیشنران خواست تا تقویم انتخاباتی را آماده کنند. برگزاری انتخابات یکی از راههای مهم قانونمند سازی نظام سیاسی کشور است. در حال حاضر حکومت افغانستان بر اساس یک توافق نامه ی سیاسی کار می کند و پارلمان کشور نیز بر اساس فرمان رئیس جمهور کارش را ادامه می دهد. برگزاری انتخابات شورای ولسوالی ها و پارلمانی و قانونمند شدن این نهاد قانون گزار راه را برای تعدیل بعضی از مواد قانون اساسی

دیروز فهرست نهایی اعضای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی از سوی ریاست جمهوری اعلان شد و آنها سوگند وفاداری کاری یاد نمودند. رئیس جمهور طی یک فرمان تقنینی ۷ تن را از میان ۲۱ کاندیدای پیشنهاد شده توسط کمیته گزینش به عنوان اعضای کمیسیون مستقل انتخابات و ۵ تن را از میان ۱۵ تن کاندیدای پیشنهاد شده توسط کمیته گزینش، به عنوان اعضای کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، برگزیده است. در فرمان تقنینی رئیس جمهور آمده است که اعضای انتخاب شده ی هر دو کمیسیون باید در اولین جلسه ی خود، رئیس، معاون و منشی کمیسیون را انتخاب کنند و کار شان را طبق قانون اساسی کشور آغاز نمایند. رئیس جمهور در مراسم تحلیف اعضای این کمیسیون ها گفت که این اعضا بر اساس تخصص، تجربه، بی طرفی، سهم جغرافیایی و سهولت مأموریت انتخاب شده است. اعضای هر دو کمیسیون انتخاباتی پس از پشت سر گذاردن یک آزمون در حضور رئیس جمهور، رئیس اجراییه، معاون رئیس جمهور و نماینده نهادهای قضایی کشور، برگزیده شده است. اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور یکی از بخش های اساسی توافق نامه تشکیل حکومت وحدت ملی بود و بعد از پشت سر گذاشتن چالش های فراوان و توشیح شدن قانون انتخابات توسط رئیس جمهور، سر انجام فهرست نهایی اعضای کمیسیون های انتخاباتی اعلان شد. مسئولین کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، بعد از ادعای تقلب گسترده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ و بی نتیجه ماندن و بجرائی شدن انتخابات، به ضعف و سوء مدیریت متهم شدند و یکی از وعده های اصلی رهبران حکومت وحدت ملی در راستای آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی، تغییر کمیشنران این کمیسیون ها بود. برگزاری انتخابات سال ۱۳۹۲ اعتماد باور مردم نسبت به کمیسیون های انتخاباتی را از بین برد. بسیاری با مسئولین این کمیسیون ها را متهم به دست داشتن در تقلب های گسترده می دانستند، اما رئیس جمهور در مراسم تحلیف کمیشنران جدید گفت

سرمقاله انتخابات و اهمیت کمیسیون های انتخاباتی

حفیظ الله زکی

سرانجام پس از دو سال چانه زنی، نام کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی اعلام شد و به این صورت راه برای برگزاری انتخابات پارلمانی در سال آینده باز شد. کمیسیون های انتخابات و سمع شکایات انتخاباتی قبلی که در واقع نخستین کمیسیون های انتخاباتی مستقلی بودند که در افغانستان تشکیل شدند، متأسفانه در نخستین تجربه خود ناکام ماند و نتوانست امورات انتخابات را به درستی به پیش ببرد. در اثر ناکارایی و عدم مسؤلیت پذیری کمیسیون ها یکی از فاجعه آمیز ترین و بدنام ترین انتخابات دنیا در افغانستان رقم خورد. این انتخابات نه تنها نتوانست ارزش های دموکراسی را تمثیل کند و مشارکت فعال مردمی را در مهمترین فرایند ملی به نمایش بگذارد، که سبب به بن بست کشیده شدن انتخابات و به وجود آمدن بحران سیاسی و اجتماعی در کشور نیز گردید. کارکرد کمیسیون ها در جای انتخابات علاوه بر این که یک پروسه ملی را به بدنامی کشید، افغانستان را در آستانه یک جنگ و نزاع خانمانسوز داخلی قرار داد. در نهایت همه هزینه ها و تلاش ها و مشارکت فعال و با انگیزه مردم در انتخابات، قربانی تمایلات شخصی و قومی کمیشنران در کمیسیون های انتخاباتی گردید. اگر امروز حکومت ما به لحاظ مشروعیت حقوقی و قانونی با مشکلات روبرو می باشد و اگر حکومت وحدت ملی در جای انتخابات بر مبنای توافقنامه سیاسی میان دو تیم پیشساز در انتخابات شکل گرفت، همه اش به ضعف ساختاری و کارکردی کمیسیون های انتخاباتی برمی گردد. ضربه ای که کمیسیون های انتخاباتی به جامعه افغانستان وارد کرد، کمتر از ضربه طالبان و گروه های دهشت افکن به افغانستان نبود. آنها جان مردم را گرفتند و جلو بازسازی و رشد اقتصادی را در مناطق تحت سیطره شان گرفتند؛ اما کمیسیون های انتخاباتی، امید مردم را خاکستر کردند و درخت اعتماد مردم را از ریشه برکنند و به وحدت ملی و مشارکت اجتماعی آسیب های جبران ناپذیر وارد کردند. با این حساب پیامد رفتارها و فیصله های کمیسیون های انتخاباتی به مراتب زیانبارتر از جنگهای مسلحانه طالبان و دیگر گروه های تروریستی، برای نظام و جامعه افغانستان بود. آنها جان مردم را ترور کردند و اینها فکر و اندیشه وحدت گرایانه و مشارکت جوانان مردم را از بین بردند و به جای آن بذر نفاق کاشتنند. حاصل این بذر حکومت توافقی بود که در درون خود بحران را می پروراند و از دهها مشکل ساختاری و کارکردی رنج می برد. نقش و اهمیت انتخابات در کشورهای پس از منازعه بسیار حایز اهمیت می باشد، بر این اساس گزینش و انتخاب اعضای این کمیسیون ها نیز از حساسیت و اهمیت ویژه برخوردار می باشد. اعضای کمیسیون ها باید بر اساس اصل تخصص، لیاقت و بیطرفی انتخاب شوند و باید در تصمیم گیری ها و رفتارهای خود کاملاً مستقل باشد و کار خود شان را بر اساس قانون و طرز العمل های انتخاباتی به پیش ببرند. در غیر این صورت باز هم کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی به جای تمرکز روی منافع ملی، از موقوف خود در راستای ثروت اندوزی و تعمیق و گسترش فساد در جامعه استفاده می کنند. اعضای کمیسیون های انتخاباتی در آغاز کار خود به کلام الله مجید قسم یاد می کنند که در انجام وظایف و مسؤلیت های خود قانون را مدنظر قرار می دهند و اصل بیطرفی کامل را رعایت می کنند و بر برگزاری انتخابات شفاف، عادلانه و سراسری تلاش می نمایند؛ پس باور اعضا به خدا و دین اسلام باید آنها را ملزم به رعایت قانون و حفظ استقلال و بیطرفی در روند انتخابات بسازد. چنانچه باز روند انتخابات با تقلب و جانبداری همراه باشد، دیگر فاتحه دموکراسی را باید در افغانستان خواند. رئیس جمهور و نمایندگان تقلبی که در نتیجه انتخابات تقلبی؛ اما به ظاهر قانونی بر مردم تحمیل شود، به مراتب بدتر از رئیس جمهور و نمایندگان است که از طریق غیر قانونی سرنوشت مملکت را به دست می گیرند، زیرا اینها نسبت به سرنوشت جمعی خود شان را مسؤل تر می دانند. در حالی که افراد متقلبی که از طریق فساد در مسند قدرت تکیه می زنند، به هیچ قاعده و قانونی پایبندی نشان نمی دهند.

دسیسه شیطانی نفاق قومی و مذهبی در افغانستان

رضا احسانی

سوریه می باشد. با چالش های که این گروه در عراق و سوریه با آن روبرو است، ممکن است این گروه بخواهد سرنوشت افغانستان را به عنوان پایگاه امن بعدی انتخاب کند و ممکن است حمایت گران و پروژه سازان سیاسی و امنیتی داعش نیز عزم بر سوریه سازی و عراق سازی افغانستان بگیرند. این کشورها می خواهند با ارتکاب جنایت های وحشیانه، عمیق و نابخشودنی در میان مسلمانان، چنان خصومت و دشمنی را میان مذاهب و فرقه های گوناگون اسلامی خلق کنند که تا صدها سال دیگر روابط سیاسی و امنیتی داعش نیز عزم بر سوریه حالت عادی برنگردند. افغانستان کشوری است که با پاکستان مرز مشترک دارد. دو طرف مرز میان افغانستان و پاکستان هم از لحاظ جغرافیایی و هم از لحاظ فرهنگی و اجتماعی زمینه رشد و نمو افکار تندروانه و خشن را دارد. در این مناطق حکومت ها تسلط ندارند و اختیارات قبایل بیشتر به دست سران و بزرگان قبایل اند که به گونه سنتی برای اداره مناطق تحت سلطه شان تصمیم می گیرند، به این دلیل قانون در این مناطق یک امر ناشناخته است و مردم در زندگی شان با قوانین سروکار نداشته اند. سران قبایل هم به دلیل رقابت های منطقه ای و قومی و هم به دلیل ترس از سلطه حکومت نیازمند یک نیروی خارجی برای دوام سلطه شان در این مناطق می باشند و گروه های تروریستی به دلیل دارا بودن نیروی قوی و آموزش دیده جنگی و به خاطر برخورداری از امکانات وافر مادی، می تواند یک گزینه خوب برای سران قبایل برای دسترسی به اهداف قبیله ای شان به شمار بیاید. از طرف دیگر حکومت افغانستان ضعیف و درگیر دهها مشکل عمده امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و نمی تواند در برابر گروه های تروریستی در مناطق وسیع مرزی مقاومت کند. این ناتوانی خود بستر نفوذ گروه داعش را در مناطق مرزی فراهم می سازد. مسأله مهم دیگر بافت اجتماعی و ترکیب مذهبی در افغانستان است. افغانستان دارای ساختار موزاییکی از اقوام گوناگون

سوریه می باشد. با چالش های که این گروه در عراق و سوریه با آن روبرو است، ممکن است این گروه بخواهد سرنوشت افغانستان را به عنوان پایگاه امن بعدی انتخاب کند و ممکن است حمایت گران و پروژه سازان سیاسی و امنیتی داعش نیز عزم بر سوریه سازی و عراق سازی افغانستان بگیرند. این کشورها می خواهند با ارتکاب جنایت های وحشیانه، عمیق و نابخشودنی در میان مسلمانان، چنان خصومت و دشمنی را میان مذاهب و فرقه های گوناگون اسلامی خلق کنند که تا صدها سال دیگر روابط سیاسی و امنیتی داعش نیز عزم بر سوریه حالت عادی برنگردند. افغانستان کشوری است که با پاکستان مرز مشترک دارد. دو طرف مرز میان افغانستان و پاکستان هم از لحاظ جغرافیایی و هم از لحاظ فرهنگی و اجتماعی زمینه رشد و نمو افکار تندروانه و خشن را دارد. در این مناطق حکومت ها تسلط ندارند و اختیارات قبایل بیشتر به دست سران و بزرگان قبایل اند که به گونه سنتی برای اداره مناطق تحت سلطه شان تصمیم می گیرند، به این دلیل قانون در این مناطق یک امر ناشناخته است و مردم در زندگی شان با قوانین سروکار نداشته اند. سران قبایل هم به دلیل رقابت های منطقه ای و قومی و هم به دلیل ترس از سلطه حکومت نیازمند یک نیروی خارجی برای دوام سلطه شان در این مناطق می باشند و گروه های تروریستی به دلیل دارا بودن نیروی قوی و آموزش دیده جنگی و به خاطر برخورداری از امکانات وافر مادی، می تواند یک گزینه خوب برای سران قبایل برای دسترسی به اهداف قبیله ای شان به شمار بیاید. از طرف دیگر حکومت افغانستان ضعیف و درگیر دهها مشکل عمده امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و نمی تواند در برابر گروه های تروریستی در مناطق وسیع مرزی مقاومت کند. این ناتوانی خود بستر نفوذ گروه داعش را در مناطق مرزی فراهم می سازد. مسأله مهم دیگر بافت اجتماعی و ترکیب مذهبی در افغانستان است. افغانستان دارای ساختار موزاییکی از اقوام گوناگون

اغلب کشورهای اسلامی و علمای بزرگ اسلامی این گروه را یک گروه ضد اسلام معرفی کردند و اعمال آن را مخالف احکام و آموزه های اسلامی دانستند؛ اما با آنهم دین اسلام از تأثیرات منفی عملکردهای ضد انسانی داعش در جهان مصون نمانده است. داعش یکی از گروه هایی است که در سال های اخیر بیشترین ضربه را به اسلام وارد کرده است. حقیقت این است که داعش نه در فکر اسلام است و نه در پی احیای خلافت اسلامی، این گروه ترکیبی از نیروهای ضد دین حزب سیاسی کشورهای اسلامی و جوانان عقده ای و سرخورده ای که از سراسر جهان به این گروه جذب شده اند و ناآگاهانه در راه اهداف سیاسی این گروه قربانی می شوند. داعش یک پروژه سیاسی تفرقه افکنانه است که به منظور تضعیف جهان اسلام و مصروف نگهداشتن مسلمانان به مشکلات داخلی خود شان راه اندازی شده است و معمولاً در مناطقی که امنیت وجود ندارد و یا جغرافیایی که حکومت های ضعیف و آسیب پذیر دارند، رخنه کرده و به فعالیت آغاز می کنند. اکنون داعش آخرین پایگاههای خود را در عراق و سوریه از دست می دهد. اغلب کشورهای منطقه و جهان داعش را یک خطر جدی برای امنیت خود تلقی می کنند و به این دلیل مبارزه با داعش را در راستای تأمین منافع ملی و امنیت جمعی خود قابل توجهی می دانند. در سوریه نیز داعش با دو مشکل مواجه می باشد: اول این که رابطه داعش با جبهه النصره به سردی گراییده و این جبهه بیشتر به سوی شبکه القاعده متمایل گردیده است. از نظر سوری ها داعش یک گروه عراقی است و آنها دوست ندارند که یک گروه خارجی در سوریه و در میان مردم نفوذ داشته باشد و فرمان براند، در حالی که جبهه النصره را متعلق به خودشان می دانند. مشکل دوم داعش در سوریه تصمیم آمریکا و ائتلاف ضد تروریسم بر نابودی داعش در منطقه است. علاوه بر آن اراده جدی روسیه بر حمایت از دولت بشار اسد و نابودی مخالفان تندروی حکومت در داخل خاک

زمان جنگ و دشمنی های بی قاعده و بی رویه دیگر سبب شده و امروزه جنگ های مسلحانه نیز تحت قواعد و معیارهای مشخص انجام می شود. کنوانسیون ها، قواعد و مقررات بین المللی محدودیت ها و موازین جنگ را در سطح جهان مشخص کرده است. وجدان های بیدار انسانی نیز بر عمل غیر انسانی را در جنگ رها نمی دارد. ولی جنایت هایی که به نام گروه داعش در نقاط مختلف افغانستان در دو سال گذشته انجام شده است، نه با قواعد و مقررات بین المللی، دارد و داعش خودش را یک گروه اسلامی می پندارد و طرفدار خلافت اسلامی است. ابوبکر البغدادی خودش را خلیفه مسلمانین اعلام کرده است و جهان اسلام را به چند ولایت تقسیم کرده است. جنگ این گروه نیست؛ بلکه این گروه در چوکات گروه تروریستی القاعده مبارزه اش را با حکومت اسلامی عراق شروع کرد و با آغاز جنگ های داخلی در سوریه با جبهه النصره در سوریه علیه دولت بشار اسد جنگید و سپس به دلیل تندروی ها و بیرحمی های خود با رهبران القاعده اختلاف پیدا کرد و با تأسیس گروه دولت اسلامی، راهش را از القاعده جدا کرد. گروه داعش استراتژی جنگی اش را بر ایجاد ترس از طریق به کار بردن حد اکثر خشونت استوار کرده است. برای تطبیق و اجرای این استراتژی هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی شناسد. کشتار کودکان، زنان، پیر مردان، غارت اسماول و دارایی های مردم ملکی، تخریب منازل، کوچ اجباری، گروگان گیری، قتل های بیرحمانه و وحشتناک و تجاوز بر دختران و زنان جزو استراتژی داعش در تسلط بر مناطق تحت کنترل این گروه به حساب می آید. این گروه پیشرفته ترین جنایت ها را به نام اسلام و برای بدنام ساختن دین اسلام مرتکب شده است. قتل های بیرحمانه گروهی، استفاده از کودکان برای حملات انتحاری و سربریدن مخالفان و جهاد النکاح، زشت ترین و قبیح ترین اعمالی بود که بدترین چهره از اسلام را در نظر عمومی جهان به تصویر کشید. با آن که

حمله روز دوشنبه در مسجد و مدرسه باقر العلوم در غرب کابل یکی از دردناکترین و وحشیانه ترین حملات در تاریخ کشور به شمار می آید. این که گروهی با حکومت سرنازگاری داشت و با حکومت علنا اعلام جنگ کرده بود، به معنای این نیست که برای ضربه زدن به حکومت از هر اهرمی سود ببرند و هر وسیله و ابزاری را مورد استفاده قرار دهند.



نگاه روز

Footer containing contact information, social media links, and the 'Daily Outlook Afghanistan' logo.